لزوم بررسی مبانی تبدیل کیفیت به کمیت؛ تبدیل ظن به درصد

شاگرد۲: طبق فرمایش شما، غیر از توجه به احتمال، باید محتمل را هم در نظر گرفت.

استاد: بله. درست است. اتفاقا در منطقی که عرض کردم باید تحلیل شود، در یک جلسه ای دو جلسه مسأله موضوع محوری و مبادی تقویت ظن را عرض کردم. اساسش این است: شما یک موضوعی را به مؤلفه‌هایی تحلیل می‌کنید. مؤلفه‌هایی که در تمام ادله مشترک هستند، منحاز می‌کنید. ارزشهای نفسی مؤلفه‌ها را با ارزشهای جمعی مؤلفه‌ها منحاز می‌کنید، بعداً می‌توانید به اصطلاح امروزه آنالوگ را دیجیتال کنید. ای آن چیزی را که کیفی است، به کم برگردانید. شما که می‌گویید پنجاه و یک درصد، چرا می‌گفتید یک و دویش سخت است؟ چون خودش کیف است، علم کیف است، کیف شدت و ضعف دارد اما کم نیست تا پنجاه و یک بپرد و پنجاه و دو شود. مثل آنالوگی است که در دیجیتال مجبور هستید آن را به یک و دو تبدیل کنید. بخشی از آن می‌رود؛ پیوستگی آن می‌رود و گسسته می‌شود. اسکالر می‌گویند؛ پلکانی می‌شود. همینطور چیزی در اینجا هست. شما در علم، در حالات ظن و شک، سر وکارتان با کیف است. با حال نفسانی است. با وجدانی است که فرمودید. وقتی سر و کار شما با این است، نمی‌توانید بگویید پنجاه و یک، پنجاه و دو. یک و دو عدد است؛ کم منفصل است. ولی می‌توانید با تدوین منطق به این تحلیلی که عرض کردم –تحلیل موضوع- آن را به درصد تبدیل کنید. حال چطور؟ عرض کردم نمی‌دانم تدوین شده ای نه، ولی ممکن است. من تقریباً هم دلگرم هستم و هم امیدوارم به اینکه در آینده می‌شود. یعنی منطق تبدیل ظنون مطمئنه، ظنون ضعیف، اقوی الظنین، اقوی الظنون، با یک تدوین منطق درصد به عدد تبدیل می‌شود. به‌طوری‌که عرف عقلاء مطمئن می‌شوند که آن پنجاه و دو درصد است، این پنجاه و سه درصد است. خب از کجا می‌گویید؟ می‌گوید به‌خاطر این؛ یعنی اسم می‌برد. در آن نظامی که عرف برای کل مواضع مدون کرده، می‌بینند در این نظام اینجا پنجاه و یک است و آن جا پنجاه و دو است.

شاگرد: در ذهنتان مثالی دارید که چطور کیف را به کم برگردانید.

استاد: در آن جلسه برخی از آن‌ها را توضیح دادم. عرض کردم ما یک احتمال پایه داریم. شاید هم از عبارات مرحوم آقای صدر آوردم و خواندم. یک احتمال ارزش نفسی داریم، و یک احتمال ارزش جمعی داریم. آقای صدر این را نفرموده بودند. یک احتمال پایه داریم. یعنی بعضی از چیزها نقطه شروعش، احتمال پنجاه درصد است. پنجاه-پنجاه است. بعضی از امور، نقطه شروعش هفتاد درصد است. یعنی شما امر بالایی دارید. بعضی از امور هست که نقطه شروعش ده درصد است. یعنی زیر پنجاه است.

شاگرد: منظور از نقطه شروع چیست؟

استاد: مثلاً یک خبری از شخصی به شما می‌گوید که او از من می‌شناسد. در پارک دارید می‌روید، در جاده‌ای می‌روید، کسی به شما می‌گوید که چنین واقعه‌ای رخ داده است. در اینجا می‌گویید پنجاه-پنجاه این حرف درست است. عرف اینطور است. اما اگر کسی بیاید که شما او را می‌شناسید؛ او از آدم خوبی می‌داند، همین که دهن باز می‌کند برای شما پنجاه-پنجاه است؟! نه. چون از او اطلاعات سابقی دارید، ارزش نفسی اخبار او پنجاه-پنجاه نیست.

شاگرد۲: هر کیفی را می‌فرمایید می‌توان کم کرد؟ مثلاً در اقتصاد عنصر برکت را مطرح می‌کنند. اگر بخواهیم آن را بنویسیم، می‌توان به کم آورد؟

شاگرد: برکتش می‌رود.

استاد: اتفاقا در بعض روایات دارد که خود کم، برکت می‌آورد. فرمودند قرص نان را زیاد کنید؛ «صغروا رغفانکم فان مع کل رغیف برکه»[1]. ولی آن چیزی که شما می‌فرمایید، الآن هم که می‌خواهد در هوش مصنوعی پیاده کنند، بحث‌های سنگینی مفصلی دارند. سر اینکه درکهایی داریم که سخت است. نمادین کردنش، برگرداندنش، محاسبه کردنش بسیار سخت است. الگوریتم‌هایی که فقط حدس می‌زنند و حدود بحث را آسان می‌کند و جلو می‌برد، اما نمی‌تواند دقیقاً کار را تمام کند.

شاگرد: برگرداندن کیفیت به کمیت در ظنون خیلی پرفایده است. ظن کیف است، عدد ندارد. چطور آن را به هفتاد درصدی و هشتاد درصدی برگردانیم؟چون این بحث پرفایده ای است همین را فردا توضیح دهید اگر چیزی در ذهنتان آماده هست و می‌شه کوتاه گفت.

استاد: در ذهن من چیزی نیست، شما فکرش را بفرمایید و افاده کنید.

شاگرد: لااقل بفرمایید این ادعا را از کجا آورده‌اید؟

استاد: اگر این منطق مدون بود، آن را خوانده بودیم، مخصوصاً اگر از طفولیت کلاسش را رفته بودیم...؛ الآن شما خیلی چیز از منطق می‌دانید که دیگرانی که نخوانده‌اند نمی‌دانند. اگر این منطق مدون شده بود و از اوائل کار آن را خوانده بودیم، الآن برای تبدیل آن کیف به این کم زبان داشتیم. اما الآن زبان نداریم.

شاگرد۲: منطق فازی کمک می‌کند؟

استاد: همین منطق است. خود فازی یعنی تشکیکی. منطق تشکیکی همین است. بینهایت ارزشی است. حال بینهایت ارزشی و انواع منطقی که هست. هنوز در ابتدای راه است. وقتی سنّمان کم بود، همین اندازه‌ای که مدون است را خوانده بودیم، باز می‌توانستیم استفاده کنیم. جلوتر‌ها عرض کردم هر چه مراجعه کنید، مقالاتش را ببینید، خودتان فکر کنید –فکر شما بالاتر است- علومی که تازه ابتدای راهش است، فکرهای خودتان را دست کم نگیرید. حال یک علمی است که می‌بینید هزار سال چکش خورده، می‌گویید چه فکری بکنم؟! نوابغ حرفش را زده‌اند. تازه همان جا هم «کم ترک الأول للآخرین» هست. اما در علومی که تازه شروع شده، مبادا آن ارتکازیات خودتان را دست کم بگیرید. هر چه به ذهنتان می‌آید را سریع بنویسید. علی ای حال در یک شرائطی چیزی به هر ذهن می‌آید که می‌بینید هنوز ابتدای راه است و دیگران فکرش را نکرده‌اند.

---

[1] الکافی ج۶ ص۳۵۹

بازبینی #1
ایجاد شده 18 آوریل 2026 10:38:14 وسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 10:55:57 وسط ... .